

# تحلیل تطبیقی اسناد روایات امامت در منابع حدیثی فریقین با نگاهی به آیات

مجتبی انصاری مقدم<sup>۱</sup>

## چکیده

در این مقاله، برای تشریح امامت به نه روایت صحیح و متواتر از حضرت رسول الله ﷺ استناد می‌شود که امامت را به طور واضح بیان می‌کنند. ابتدا به حدیث غدیر اشاره می‌کنیم که پیامبر، جانشین خود را معرفی نمودند. در ادامه نیز در حدیث گران قدر ثقلین بیان کردند که اهل بیت علیا پس از قرآن ثقل اصغرند و هیچ گاه از قرآن جدا نخواهند شد. در حدیث منزلت پیامبر با اشاره به آیات قرآن (نسبت هارون و موسی)، جایگاه اهل بیت علیا را روشن می‌نماید. همچنین پیامبر ﷺ، ائمه علیا را به ستارگان پرنور که راه هدایت را نشان می‌دهند، تشبیه می‌کند. در جلسه یوم الانذار، پیامبر ﷺ همه خویشاوندان نزدیکش را به اسلام دعوت کرد و در آن جلسه علی علیا را به عنوان جانشین خود معرفی می‌کند. در حدیث اثنا عشر پیامبر ﷺ، اسامی امامان بعد از خودش را ذکر می‌کند. در حدیث کشتی نوح، پیامبر ﷺ، اهل بیت علیا را به کشتی نوح تشبیه می‌کند که مایه نجات امت‌اند، و در حدیثی دیگر پیامبر ﷺ، امام علی علیا را به شهری از علم تشبیه می‌کند. نهمین حدیث رسیده از پیامبر ﷺ حدیث پدران امت می‌باشد. همه این احادیث گوشه‌ای از اشارات پیامبر ﷺ در مورد امامت می‌باشد. بدین ترتیب پژوهش حاضر با روشی توصیفی، تحلیلی و تطبیقی به واکاوی اسناد روایات امامت در منابع حدیثی می‌پردازد. نتیجه آنکه تمامی اسناد روایات در منابع حدیثی فریقین با اقوال مختلف معتبر نقل شده‌اند و جای هیچ گونه تردید علمی در اصالت آن‌ها وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** امامت، فریقین، حدیث ثقلین، حدیث یوم الانذار، حدیث منزلت.

---

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، استاد مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مدرس گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) قم

## مقدمه

اصول دین یا اعتقادات شامل سه مورد است: توحید، نبوت و معاد. اصول مذهب شعیه دو مورد است: امامت و عدل الهی. هر کدام از این پنج مورد تعاریف و تقسیم بندی‌هایی دارند، این مقاله راجع به امامت است. در اینجا روایاتی بررسی می‌کنیم که نزد فریقین متواتر و صحیح از پیامبر ﷺ راجع به امامت نقل شده است. امامت جزء اصول عقائد شیعیان است؛ یعنی بر هر فرد شیعه، دانستن آن لازم و ضروری است. در واقع امام همه‌ی منصب‌های پیامبر ﷺ را داراست به جزء نبوت، که امام این منصب را ندارد. ختم نبوت به معنی ختم راهنمایی الهی (وحی پیامبران) است؛ نه ختم رهبری الهی (امامت) بسیاری از پیامبران رساننده وحی بوده‌اند، ولی امام نبوده‌اند. اعتقادات یا اصول دین را باید یا به واسطه عقل یا به واسطه نقل جستجو کرد.

امامت به طور مستقیم در قرآن نیامده است، اما صفات، اشارات و ویژگی امام ﷺ در قرآن آمده است. ما باید از طریق احادیثی که از پیامبر ﷺ به ما رسیده است استفاده کنیم تا به حقیقت و متابعت از امامت پی ببریم. پیامبر ﷺ به طور مکرر مسئله امامت را تکرار کرده است. مسئله امامت، مسئله اسلام و امت است. قرآن هم به این مورد اشاره دارد: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء / ۷۳). ما آن‌ها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم.

در ارتباط با پیشینه تحقیق مقالات مختلفی دیده می‌شود از جمله:

- واکاوی دلالت حدیث غدیر بر امامت امام علی ﷺ...، علی حسن بیگی، علیرضا طیبی، محمد تیموری، نشریه امامت پژوهی، پیاپی ۱۹ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، ص ۹.
- متن متواتر حدیث ثقلین در کتب شیعی و منابع اهل سنت، جعفر شانظری\*، سید مهران طباطبایی پوده، نشریه حدیث پژوهی، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، ص ۱۶۱.
- شیعه و اعتقاد به دوام فیض / لوح جابرو ذکر نام تمام ائمه اثنا عشر ﷺ، نشریه آفاق نور، پیاپی ۱۶ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۲۸۶.
- بررسی گزارش ویژه ابن عباس از حدیث منزلت، غلامحسین زینلی، فصلنامه



مشرق موعود، پیاپی ۵۸ (تابستان ۱۴۰۰)، ص ۷۹.

• تفسیر تطبیقی آیه انذار از منظر علامه طباطبایی و ابن تیمیه، سیران کریم پور، محمد مهدی کریمی نیا، مجتبی انصاری مقدم، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، پیاپی ۴۳ (آذر ۱۴۰۰)، ص ۹۱.

هر یک از نوشته‌های فوق الذکر و سایر نوشته‌ها به یک وجه از روایات ناظر به بحث امامت پرداختند اما پژوهش با نگاهی جامع و تطبیقی به تحلیل اسناد روایات در منابع حدیثی فریقین می‌پردازند که تاکنون با این سبک نوشته‌ای یکجا انجام نشده است.

در این نوشتار روایاتی که در اسناد و منابع معتبر برادران اهل تسنن وجود دارد، بررسی می‌کنیم. مثلاً: در حدیث نجوم پیامبر ﷺ، امامان را به ستارگان تشبیه می‌کند. در این مقاله آیاتی که در مورد ستارگان وجود دارد با حدیث تطبیق داده می‌شود. پیامبر ﷺ فرستاده خداوند متعال می‌باشد و هر سخنی که می‌گوید از جانب خداوند است. ما باید گفته‌های پیامبر ﷺ را در زندگی سرمشق و مبنای اعتقادات خود قرار دهیم. در غیر این صورت، در مسیر منحرف واقع می‌شویم. اسناد همه احادیثی که ذکر می‌کنیم صحیح و متواتر می‌باشند، هم تشیع آن‌ها را نقل کردند و هم اهل سنت در کتب و منابع خود آورده‌اند.

## ۱. معانی امامت

### ۱-۱ امامت در لغت و اصطلاح

امامت در لغت، به معنای رهبری و ریاست امت است که طبعاً نوعی تبعیت و پیروی گروهی را به همراه دارد. بنابراین امامت در لغت، به معنای پیشوایی و سرپرست، پیشوا یعنی کسی که پیشرو است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۱۳). اما در اصطلاح علم کلام، امامت عبارت است از: «ریاست همگانی و فراگیر بر جامعه اسلامی در همه امور دینی و دنیوی» (مفید، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۹).



## ۲-۱) امامت در قرآن

کلمه امام و جمع آن ائمه مجموعاً دوازده مرتبه در قرآن به کار رفته است، هفت مرتبه به شکل مفرد و پنج مرتبه به شکل جمع آمده است:

- ۱) لوح محفوظ (یک مرتبه)؛ «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس / ۱۲). و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمردیم.
- ۲) جاده و راه (یک مرتبه)؛ «وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ» (حجر / ۷۹). و آن دو (شهر، اکنون) بر سرراهی آشکار است.
- ۳) تورات یا کتاب و پیشوا (دو مرتبه)؛ «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرُحْمَةً» (احقاف / ۱۲؛ هود / ۱۷). پیش از وی (نیز) کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است.
- ۴) پیشوایان الهی و صالح (پنج مرتبه)؛ «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره / ۱۲۴). فرمود من تورا پیشوای مردم قرار دادم. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء / ۷۳؛ فرقان / ۷۴؛ قصص / ۵؛ سجده / ۲۴). و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.
- ۵) پیشوایان کفر و ضلالت (دو مرتبه)؛ «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه / ۱۲؛ قصص / ۴۱). پس با پیشوایان کفر بجنگید.
- ۶) مفهوم جامعی که پیشوایان هدایت و ضلالت را هر دو شامل می‌شود (یک مرتبه)؛ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء / ۷۱). یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می‌خوانیم.

## ۲. حدیث ثقلین

یکی از مهمترین ادله روایی در مورد حقانیت امامت، حدیث ثقلین است، که مورد پذیرش علما و دانشمندان تشیع و اهل سنت بوده است. این حدیث از احادیث متواتر و صحیح به حساب می‌آید و اسناد آن در منابع تشیع و اهل سنت موجود است.

## ۱.۲. حدیث در منابع تشیع

در اینجا، از باب نمونه، به چهار روایت از منابع شیعی اشاره می‌کنیم:



۱-۱۲) محمد بن یعقوب الكلینی در کتاب الکافی نقل می کند:  
 عن ابی عبدالله علیه السلام... قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا  
 كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي» (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۴).  
 من در میان شما دو چیز را می گذارم که اگر به آن دو متمسک شوید هرگز گمراه نشوید  
 (آن دو) کتاب خداوند عزوجل و اهل بیتم یعنی عترت من هستند.

۲-۱۲) شیخ صدوق در کتاب کمال الدین نقل می کند:  
 عن زید بن ارقم قال قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي  
 فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۲۵).  
 زید بن ارقم نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود: من در میان شما دو چیز سنگین  
 می گذارم که (آن دو) کتاب خدا و اهل بیت من هستند و همانا آن دو از یکدیگر جدا نمی  
 شوند تا زمانی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۳-۱۲) محمد بن مکی معروف به شهید اول در کتاب الدرہ الباهره من الاصداف  
 الطاهره نقل کرده:  
 «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا» (شامی عاملی  
 جزینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

همانا من در میان شما دو چیز سنگین می گذارم کتاب خداوند و اهل بیتم که اگر به  
 آن دو تمسک جوید هرگز گمراه نشوید.  
 ۴-۱۲) علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار نقل می کند:  
 قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مُمْدُودٌ مِنَ  
 السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي فَإِنِظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص  
 ۳۶۹).

همانا من در میان شما دو چیز سنگین می گذارم که یکی از آن ها از دیگری بزرگ  
 تر است: کتاب خداوند که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین است و اهل بیت  
 و عترتم. پس بنگرید که چگونه سفارش مرا در مورد آن ها رعایت کنید.



## ۲-۲. حدیث در منابع اهل تسنن

۲-۲-۱) حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک نقل می‌کند:

عن زید بن ارقم... قال رسول الله ﷺ: «أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ وَ أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَوْهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ التُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» (حاکم نیشابوری، بی تا، ص ۱۰۴۳).

زید بن ارقم نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای مردم همانا من بشر هستم و به زودی فرستاده پروردگارم می‌آید و من دعوت (حق) را اجابت می‌کنم و همانا من در میان شما دو چیز سنگین را می‌گذارم که اولین آن‌ها کتاب خدا است که در آن هدایت نور است بنابراین آن را بگیرید و به آن تمسک جوئید و (دومین آنها) اهل بیت من است که خدا را در مورد اهل بیتم بر شما یادآوری می‌کنم.

۲-۲-۲) احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد نقل کرده که پیامبر ﷺ می‌فرماید:  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۷۰).

همانا من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم، کتاب خدا که ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین، و اهل بیتم، و این دوازدهم جدا نمی‌شوند تا هنگامی که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

۲-۲-۳) حافظ جلال الدین سیوطی:

عن زید بن ثابت... قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَوْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (شیبانی، ۱۴۰۶، ص ۱۵۷).

همانا من در میان شما دو جانشین می‌گذارم کتاب خدا که ریسمان کشیده شده در میان آسمان و زمین است و عترتم که اهل بیت من هستند همانا آن دوازدهم جدا نشوند تا وقتی که در کنار حوض بر من وارد شوند.

۲-۲-۴) همچنین در جاهای مختلف دیگری نقل شده، پیامبر ﷺ فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ



فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا» (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۹؛ بیهقی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۴۸؛ شریف الرضی، ۱۴۰۶، ص ۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۷).

من در میان شما دو یادگار گران بها می گذارم: قرآن و عترت و اهل بیت، و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا هنگامی که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، و شما مادام که به این دو تمسک جوئید بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد.

بدین ترتیب حدیث ثقلین از احادیث مستند و معتبر در منابع حدیثی تشیع و اهل سنت به شمار می رود و افرادی از جمله حاکم نیشابوی، ابن حنبل، شیبانی، ابن اثیر، بیهقی، شریف الرضی، سیوطی و ... که نزد اهل سنت دارای جایگاه هستند این حدیث متواتر را بارها نقل نموده اند.

### ۳. حدیث امامان اثنا عشر

از احادیث مشهور و معروف «حدیث اثنا عشر» است که بیشتر روایات آن از صحابه است از جمله: عبدالله مسعود، جابر بن سمره عبدالله عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، عبدالملک عمیر، ابی الجلد و ابی جحیفه می باشند.

### ۱.۳. حدیث در منابع تشیع

۱-۳ (۱-۳) صدوق به سندش از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

«أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِنَّ أَوْصِيَائِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ وَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۴).

من سید انبیا و علی بن ابی طالب سید اوصیا است و همانا اوصیای بعد از من دوازده نفراند؛ اول آن ها علی بن ابی طالب و آخر آن ها قائم است.

۲-۳ (۲-۳) از امام سجاد علیه السلام نقل شده که می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَأَحَدَ عَشْرَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ، فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ، يَعْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ، يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ، وَهُمْ الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۱).



همانا خداوند محمد و علی و یازده نفر از اولاد او را از نور عظمت خود خلق نمود آنان را در شبه‌هایی در پرتو نور خود قرار داد که خدا را قبل از خلقت خلق عبادت می‌کردند او را تسبیح گفته و تقدیس مینمودند و آنانند امامان از اولاد رسول خدا ﷺ.

۳-۱-۳) جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند:

«دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنِي عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ عَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۸۰؛ همو، ۱۳۶۲، ص ۴۷۸).

بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدم در حالیکه مقابل او لوحی با اسمای اوصیای از فرزندانش مکتوب قرار داشت آن‌ها را شمردم دوازده نفر بودند یکی از آن‌ها قائم علیه السلام بود و سه نفر محمد و چهار نفر علی.

### ۲-۲-۳. حدیث در منابع اهل تسنن

۲-۲-۳) در صحیح مسلم از جابر بن سمره نقل شده است:

سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيْزًا إِلَىٰ اِثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً خَفِيْفَةً لَمْ أَفْهَمْهَا فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ قَالَ كَلَّمَهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (قشیری النیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۵۳).

اسلام پیوسته عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه بر مسلمانان حکومت کنند سپس سخنی فرمود که من نفهمیدم، پس به پدرم گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله چه فرمود؟ گفت: تمام آن‌ها از قریش‌اند.

۲-۲-۳) جابر می‌گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود:

«يَكُونُ اثْنِي عَشَرَ امِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ أَبِي أَنَّهُ قَالَ كَلَّمَهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بخاری، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۱). بعد از من دوازده امیر خواهد بود سپس سخنی فرمود که آن را نشنیدم پدرم گفت: همه آن‌ها از قریش‌اند.

همان معنا که در بالا آمده در صحیح ترمذی آمده است (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۰۱). با تفاوت‌های جزئی که ترمذی می‌گوید «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ» این حدیث نیکوی، صحیح است (حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰).





۳-۲-۱۳) احمد بن حنبل در کتابش از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:  
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيْرًا إِلَىٰ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً، فَقَالَ كَلِمَةً خَفِيَةً  
 لَمْ أَفْهَمْهَا، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَيِّ: مَا قَالَ؟ قَالَ: "كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ" (ابن حنبل، بی تا، ج ۳۴، ص  
 ۴۸۳).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: اسلام پیوسته عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه بر مسلمانان  
 حکومت کنند سپس سخنی فرمود که من نفهمیدم، پس به پدرم گفتم: پیامبر ﷺ چه  
 فرمود؟ گفت: تمام آن‌ها از قریش‌اند.

بدین ترتیب حدیث اثنا عشر در منابع معتبر شیعی و اهل سنت به صورت‌های  
 مختلف نقل شده است حتی افرادی از جمله قشیری النیشابوری، بخاری، ترمذی،  
 حسکانی نیشابوری، ابن حنبل و... در منابع حدیثی اهل نقل نموده‌اند.

#### ۴. حدیث منزلت

حدیث منزلت، حدیثی صحیح که با اسناد معتبر پیرامون امامت از پیامبر ﷺ نقل  
 شده است. پیامبر ﷺ با بیان یک داستان و یک آیه قرآن، جایگاه علی را به امت  
 معرفی می‌کند: تشبیهی که با یک تفکر در آن به راز آن پی خواهیم برد و در برگزیده آیه‌ای  
 از آیات می‌شود که خداوند از موسی ﷺ برای پیامبر ﷺ نازل کرده است.  
 در ماجرابی که پیامبر ﷺ قصد داشت که به غزوه تبوک برود، علی را به جای  
 خودش گذاشت و امام را همراه خودش به این غزوه نبرد. غزوه تبوک لشکرکشی بعد از  
 غزوه موته بود، این غزوه اولین و آخرین جنگ میان اعراب و رومی‌ها در زمان پیامبر ﷺ،  
 در شمال مدینه اتفاق افتاد که مرکز امپراتوری روم شرقی اسلامبول کنونی (قسطنطنیه)  
 بود، سوریه هم دست نشانده آن‌ها بود رومی‌ها در سوریه برای حمله به مدینه آماده  
 می‌شدند، پیامبر ﷺ مصلحت چنین دید که تا مرز روم لشکرکشی کند و این کار را هم  
 انجام داد و هدف پیامبر ﷺ فقط نشان دادن قدرت بود نه چیز دیگری. علی را به  
 پیامبر ﷺ گفت: شما مرا در اینجا هم ردیف زنها و بچه‌ها می‌گذارید و همراه خود نمی  
 برید؟

پیامبر ﷺ بحث جانشینی خود را مطرح کرد و فرمود:

تمام رتبه‌ای که هارون نسبت به موسی داشت تونسبت به من داری فقط یک استثنا وجود دارد و آن این است که نبوتی در کار نیست.

#### ۱.۴. حدیث در منابع تشیع

از باب نمونه، به دوروایت اشاره می‌کنیم:

۱-۱۴) شیخ صدوق از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۴۱۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۰۷).

یاعلی! مثل تونسبت به من مانند مثل هارون نسبت به موسی است، جزاین که پس از من پیامبری نیست.

۲-۱۴) شیخ طوسی، از جابر بن سمره نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي» (برقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۹). نسبت توبه من مانند نسبت هارون به موسی است، جزاین که پس از من پیامبری نیست.

#### ۲.۴. حدیث در منابع اهل تسنن

حدیث منزلت در منابع و کتب اهل سنت به صورت متواتر و صحیح آمده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۴) مصعب بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تبوک می‌رفت و علی علیه السلام فرمود: من را در میان زنان و بچه‌ها می‌گذاری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إلا ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى الا انه ليس نبي بعدى» (بخاری، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۰۲). آیا راضی نیستی که جایگاه تونسبت به من همانند جایگاه حضرت هارون به موسی باشد تمام رتبه‌ای که هارون نسبت به موسی داشت تونسبت به من داری فقط یک استثنا وجود دارد و آن این است که نبوتی در کار نیست.



۲-۲-۴) احمد بن حنبل در کتاب مسند با چند واسطه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۹۵).

۳-۲-۴) ابوالحسین مسلم بن الحجاج النیشابوری در کتاب خود از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که پیامبر ﷺ، علی علیه السلام را در غزوه تبوک جانشین خود قرار داد و علی علیه السلام گفت: یا رسول الله! آیا مرا در میان زنان و بچه‌ها می‌گذاری؟ حضرت پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (قشیری نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۱).

بنا بر این حدیث منزلت در منابع معتبر فریقین نقل شده است و از روایات قابل اعتماد نزد اهل سنت و شیعه به شمار می‌رود. در منابع اهل افرادی مانند بخاری، ابن حنبل، قشیری نیشابوری و... که از محدثان مهم به شمار می‌روند این روایت را در کتب خود نقل نمودند.

#### ۳-۴. اشاره حدیث منزلت به آیاتی از قرآن کریم

۱-۳-۴. آیات سوره طه:

«وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي، كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا» (طه / ۲۹-۳۳).

برای من کمک و همراهی از خاندانم تعیین کن، هارون برادرم را، و تو او را به حمایت او استوار فرما، و او را در کارم شریک من نما، تا تو را فراوان تسبیح گویم. موسی جملات زیاد و پر معنایی به خداوند می‌گوید، این نشان از مقام موسی علیه السلام و نسبت هارون علیه السلام با اوست.

۲-۳-۴. آیات سوره اعراف:

«وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» (اعراف / ۱۴۲).

و موسی (هنگام رفتن به کوه طور) به برادرش هارون گفت: در میان قوم من جانشینم باش.

از آیات می‌توان دریافت که پیامبر ﷺ همانند موسی علیه السلام از جانشین برخوردار بوده است، یعنی علی علیه السلام مانند هارون جانشین بوده است.



## ۵. حدیث غدیر

غدیریکی از اعیاد چهار گانه پیروان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. پیروان اهل بیت علیهم السلام برای این عید ارزش زیادی قائل هستند به گونه‌ای که هر سال برای آن مراسم گرفته می‌شود. یکی از دلایل اثبات امامت، حدیث غدیر است. این حدیث نزد فریقین از اعتبار کافی برخوردار است که علاوه بر منابع شیعه در منابع برادران اهل سنت نیز آمده است، از جمله؛ مسند احمد، سنن ابن ماجه، تاریخ بغداد، جلال الدین سیوطی، التفسیر الکبیر.

در آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به حجۃ الوداع معروف شد، هنگامی که از اعمال حج فارغ شدند و در راه بازگشت، به محلی به نام غدیر خم رسیدند، که آنجا محل جدا شدن کاروانیان شهرهای مختلف، مانند عراق، یمن، مدینه و شام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد همگان توقف کنند تا کسانی که جلوتر بودند برگردند و جاماندگان نیز به آنان پیوندند. باتوجه به گرمای شدید هوا به گونه‌ای برخی برای در امان ماندن از گرمای سوزان آفتاب زیر سایه شترها و اسب هایشان پنهان می‌شدند. توقف نسبتاً طولانی که برای جمع شدن همگان ایجاد شد نشانگر آن است که مسئله و موضوع مهمی در میان است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این چنین جمعیت را نگه داشته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن جا خطبه‌ای مفصل خواند و فرمود:

من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده و از میان شما می‌روم. ای مردم درباره من چگونه شهادت می‌دهید؟ همگی با صدای بلند گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت الهی را ابلاغ کردی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی خدا تو را جزای خیر دهد و آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست امام علی علیه السلام را بالا گرفت به طوری که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و فرمود: چه کسی از مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه مرتبه سؤال خود را پرسید و مردم هم جواب می‌دادند: «فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى قَالَ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۶۵). خدا و پیامبرش داناتر است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا مولای من است، و من مولا و سرپرست مؤمنان هستم و نسبت به آن‌ها از خودشان سزاوارترم و سپس فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (نجف، ۱۴۰۶، ص ۶۴).



و سپس دست به آسمان برد و به دعا پرداخت: خداوندا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار؛ یارانش را یاری کن و آن‌ها که او را ترک کنند از یاری خویش محروم ساز، حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن. سپس فرمود: حاضران به غایبان برسانند. بیعت تا سه روز متوالی ادامه داشت و اولین کسانی که از همه سبقت گرفته بودند و عید را به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک گفتند، شیخین بودند.

### ۱-۵. حدیث در منابع تشیع

این حدیث در منابع فریقین موجود است، در منابع و کتب تشیع از جمله؛ الکافی، من لا یحضره الفقیه، الأمالی، تهذیب الأحکام، الاحتجاج، بحار الأنوار، مرآة العقول، الوافی (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۸؛ همو، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۴؛ طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۱۱۰؛ همو، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۱۸).

(۱-۱۵) کلینی در کتاب الکافی می نویسد:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَمَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

(کلینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۹۰).

(۲-۱۵) صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم می فرماید: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج

۲، ص ۵۵۹؛ همو، ۱۳۶۱، ص ۶۶).

### ۲-۵. حدیث در منابع اهل تسنن

این روایت همانند دیگر روایات در منابع و کتب برادران اهل سنت موجود است، در این جا، به چند مورد اشاره می می کنیم؛ مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه، الغدیر، جمع الجوامع، تفسیر طبری و التفسیر الکبیر (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۳۳؛ اشعری شهرستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۴۲۸؛ غزالی، ۱۳۸۷، ص ۹؛ رازی شافعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۴۵).



۵-۱۲) حَدَّثَنَا ابْنُ مُثَيْرٍ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ شَهِدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، وَهُوَ يَقُولُ مَا قَالَ؟ فَقَامَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۷۱).

۵-۲) «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳۷).

۵-۳) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ... عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ترمذی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۵۱).

در آن زمان شیخین (ابوبکر، عمر) به علی علیه السلام تبریک گفتند: «بِحْ بَحْ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۱؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۳۶؛ قندوزی حنفی، ۱۳۰۲، ص ۳۱؛ غزوی مکی، ۱۴۲۲، ص ۴۰؛ نسائی، بی تا، ص ۹۷).

مبارک باد برتو، مبارک باد برتوای فرزند ابوطالب تو مولای من و مولای تمام مردان و زنان با ایمان گشتی.

محمد بن جریر طبری در کتاب الودایه که از بزرگان اهل سنت می باشد، حدیثی را به سند خود از زید بن ارقم نقل کرده است که بیان می دارد: اوّل کسی که در آن روز بیعت کرد عمر و بعد از آن ابی بکر، عثمان، طلحه و زبیر بوده اند. مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر آسامی شصت نفر را نام می برد که حضور شیخین را در غدیر و تبریک آنان به امام علی علیه السلام را نقل کرده اند (ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۱۰؛ سیوطی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۳۳؛ اشعری شهرستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۴۲۸؛ غزالی، ۱۳۸۷، ص ۹؛ رازی شافعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۴۵).

بنابراین «حدیث غدیر» به یکی از فرازهای مهم از «خطبه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر گفته می شود که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». این حدیث از مستندات شیعه برای اثبات خلافت بلا فصل امام علی علیه السلام پس از رسول خدا می باشد؛ هرچند، بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که کلمه «ولی» در این حدیث به معنای صاحب اختیار و اولی در تصرف نیست؛ بلکه به معنای دوست یا ناصر است.

## ۶. حدیث نجوم

حدیث نجوم، پیامبر ﷺ در شأن و مقام امامت بیان فرمودند. این حدیث هم مانند دیگر احادیث متواتر و صحیح می باشد. نجوم به معنای ستاره ها است، که برای همه انسان ها مایه هدایت می باشند و ستاره دُب اکبر در آسمان برای انسان ها مثال بارز آن است. فردی که در یک جایی قرار می گیرد که هیچ گونه راه و حلی برای تشخیص راه وجود ندارد، ما از ستارگان کمک می گیریم. در آسمان ستارگان خاصی (دُب اکبر، دُب اصغر و...) وجود دارد، می توان با آن ها راه خود را مشخص کرد. حال پیامبر ﷺ مقام امامان را به این ستارگان تشبیه می کند. و قرآن هم به ستارگان و نقش آن ها را بیان می کند.

## ۱.۶. حدیث در منابع تشیع

حدیث نجوم در پیروان اهل بیت علیهم السلام از جایگاه فوق العاده ای برخوردار است ما در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم:

(۱۷۶) علامه مجلسی در بحار الأنوار می نویسد:

الْمَلِكُ بْنُ هَارُونَ... قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «التُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ التُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۳۱۰). ملک بن هارون با چند واسطه... پیامبر ﷺ می فرماید: ستارگان مایه امانند برای اهل آسمان هنگامی که ستارگان از میان بروند اهل آسمان نیز از بین می رود و اهل بیت من امان برای اهل زمینند هنگامی که اهل بیت من از میان بروند اهل زمین از میان می روند.

(۲-۱۷۶) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «التُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷).

ستارگان مایه امنیت و آرامش اهل آسمان است و اهل بیت من امان امت من می باشند.

(۳-۱۷۶) طوسی در آمالی می نویسد:

أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ وَ ابْنُ عَبَّاسٍ، قَالُوا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): «التُّجُومُ أَمَانٌ



لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَأَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَمْتِي، فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ» (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۳۷۹).

ابوموسی اشعری و ابن عباس می گویند پیامبر ﷺ می فرماید: ستارگان مایه امانند برای اهل آسمان هنگامی که ستارگان از میان بروند اهل آسمان نیز از بین می رود و اهل بیت من امان برای اهل زمینند هنگامی که اهل بیت من از میان بروند اهل زمین از میان می روند.

## ۲-۶. حدیث در منابع اهل تسنن

حدیث نجوم در منابع اهل سنت به صورت صحیح و متواتر آمده است، اکنون به چند مورد از این موارد اشاره می کنیم:

۱۲-۶) حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک می نویسد:

عن ابن عباس... قال رسول ﷺ:

«النجوم امان لاهل الارض من الغرق واهل بيتي امان الامتي من الاختلاف فاذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس»

ستارگان برای اهل زمین مایه امنیت و نجات از غرق شدن در دریاست (زیرا در گذشته به دلیل نبودن قطب نما از ستارگان استفاده می کردند) و اهل بیت من امان و مایه نجات امتم از اختلافاتند پس هنگامی که قبیله ای از عرب با آن ها مخالفت کنند، اختلاف در میان امت ظاهر می شود و آن ها حزب شیطان خواهند شد.

۲-۲-۶) سلمه بن اکوع که از صحابه پیامبر ﷺ است:

قال رسول الله ﷺ: «النجوم امانٌ لأهل السماء وأهل بيتي أمانٌ لأهل الأرض» (شیبانی، ۱۴۰۶،

ص ۵۸۷).

رسول خدا ﷺ فرمود: ستارگان مایه امنیت و آرامش اهل آسمان است و اهل بیت من

امان امت من می باشند.

۳-۲-۶) حدیثی که محب الدین طبری از مناقب احمد بن حنبل نقل کرده است:

«النجوم امانٌ لأهل السماء فإذا ذهبَت النجوم ذهبَ أهل السماء وأهل بيتي أمانٌ لأهل الأرض

فإذا ذهبَ أهل بيتي ذهبَ أهل الأرض» (طبری، ۱۳۸۶، ص ۷).





ستارگان مایه امانند برای اهل آسمان هنگامی که ستارگان از میان بروند اهل آسمان نیز از بین می رود و اهل بیت من امان برای اهل زمینند هنگامی که اهل بیت من از میان بروند اهل زمین از میان می روند. ابن حجر در صواعق، محمد صبان در اسغاف الراغبین، خوارزمی در مقتل الحسین این حدیث را آورده اند.

بنابراین حدیث نجوم که در منابع متعدد اهل سنت نقل شده و از دیدگاه علمای ایشان، صحیح دانسته شده است، به طور واضح، جایگاه فوق العاده اهل بیت علیهم السلام را تبیین نموده و به تنهایی می تواند سندی بر حقانیت آن امامان پاک و لزوم رجوع همه مسلمین به تعالیم آن بزرگواران است.

### ۳-۶. نقش ستارگان در آیات قرآن کریم

۱-۳-۶. آیات سوره انعام:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام / ۹۷).

خداوند ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی و ظلمت های صحرا و دریا هدایت شوید.

۲-۳-۶. آیات سوره نحل:

«وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل / ۱۶).

و نیز نشانه هایی را قرار داد، و مردم به وسیله ی ستاره ها راه خود را می یابند.

۳-۳-۶. آیات سوره صافات:

«إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ، لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ، دُخُورًا وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ» (صافات / ۶-۹).

ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم، و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم [به طوری که] نمی توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می شوند، با شدت به دور رانده می شوند و برایشان عذابی دایم است.



## ۷. حدیث یوم الدار (یوم الانذار)

حدیث یوم الدار، یکی از مشهورترین احادیثی است که به حدّ تواتر از شیعه و اهل سنت روایت شده است، و به یوم الانذار و حدیث عشیره مشهور است. کلمه «یوم» به معنای روز است و مردمان عرب گاهی به معنای واقعه به کار می بردند و کلمه «دار» در این حدیث به معنای خانه پیامبر ﷺ معنا کرده اند. مفسران کلمه یوم الدار را واقعه خانه پیامبر ﷺ معنا کرده اند.

در سال سوم بعثت پیامبر ﷺ، آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء / ۲۱۴). نازل شد، که خویشاوندان نزدیک خود را انذار کن و پیامبر ﷺ طبق آیه عمل کرد. و به علی ؑ که طبق بعضی از روایات گفته شده که حدوداً سیزده سال سن داشت دستور داد مقداری شیر و نان برای پذیرایی از خویشاوندان آماده کند و پیامبر ﷺ امر فرمود که خویشاوندان را به خانه دعوت کند و خویشاوندان همه به خانه پیامبر ﷺ آمدند و نقل شده که تعداد آن ها چهل و پنج نفر بوده و با آن که مقدار غذا کم بوده، ولی همه میهمانان سیر شدند. ابولهب شروع کرد به به هم زدن مجلس و صدا می زد که محمد سحر و جادو کرده و مجلس را به هم زد پیامبر ﷺ مصلحت دید که طرح موضوع را به فردا موکول سازد بدون نتیجه جلسه پایان یافت به دستور پیامبر ﷺ به علی ؑ را مأمور شد که دوباره غذا تهیه کند و خویشاوندان را دعوت کند.

دوباره همه در خانه پیامبر ﷺ جمع شدند و پیامبر ﷺ فرمود:

«يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَعْلَمُ سَبَابًا فِي الْعَرَبِ جَاءَ قَوْمَهُ بِأَفْضَلِ مِنْ مَا جِئْتُمْ بِهِ إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ أَدْعُوَكُمْ فَأَيُّكُمْ يُؤَاؤِرُنِي عَلَى أَمْرِي عَلَى أَنْ يَكُونَ أَحِيَّ وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۶۲).

ای فرزندان عبدالمطلب به خدا قسم در میان عرب جوانی را سراغ ندارم که چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده ام برای قومش آورده باشد من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام خدا به من فرمان داده است تا شما را به سوی او فرا خوانم اکنون کدامیک از شما مرا یاری می کند تا برادر من (وصی) و جانشین من در میان شما باشد؟

هیچ کس پاسخ نداد به جزء علی ؑ بلند گفت: ای پیامبر خدا من تورا یاری می کنم.  
پیامبر ﷺ فرمود:



«إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُم، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۲۷۲). این برادر وصی و جانشین من در میان شماست سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

همه بلند شدند در حالی که می‌خندیدند و می‌گفتند حال ما باید از یک پسرک اطاعت کنیم و به ابوطالب می‌گفتند: محمد دستور داد که از پسر پیروی کنی و از او فرمان ببری و او را بزرگ تو قرار داد (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۱؛ شیبانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰؛ طبری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۲). این حدیث در کتب کنز العمال، مجمع الزوائد، المستدرک علی الصحیحین آمده است (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۳۲؛ هیثمی شافعی، بی تا، ج ۸، ص ۲۳؛ متقی هندی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۲۸).

بنابراین حدیث یوم الدار که به حدیث یوم الإنذار و حدیث عَشیره نیز شهرت دارد، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ است که در آن، از خویشاوندان خود می‌خواهد دعوت او را بپذیرند و اسلام بیاورند و در ضمن آن به خلافت و وصایت علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح می‌کند. بنابر گزارش منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری، این حدیث پس از آن صادر شد که در سال سوم بعثت، طبق آیه ۲۱۴ سوره شعراء مشهور به آیه انذار، پیامبر مأمور شد تا اقوام نزدیک خویش را به اسلام دعوت کند. این حدیث از جمله ادله متکلمان امامیه در اثبات خلافت بلافصل و وصایت امام علی علیه السلام است.

#### ۸. حدیث سفینه نوح

حدیث سفینه، روایتی مشهور از پیامبر ﷺ که در آن نقش اهل بیت علیهم السلام را برای مسلمانان به کشتی نجات نوح تشبیه کرده است. این حدیث از هشت نفر از صحابه، هشت نفر از تابعین، سه نفر از علمای قرن دوم، هشت نفر از علمای قرن سوم و چهارده نفر از علمای قرن چهارم نقل شده است (حسینی میلانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۶). در کتاب عقبات الانوار این حدیث را از نود و دو کتاب که به وسیله نود و دو نفر از دانشمندان معروف تالیف یافته که در بالا ذکر شد. حدیث سفینه تشبیهی فوق العاده برای شناساندن اهل بیت است.

آقای شیخ محمد امین انطاکی نویسنده کتاب «لماذا اخترت مذهب اهل بیت»



درباره این حدیث می‌گوید: تمام علمای اسلام اتفاق نظر دارند که این حدیث خود از احادیث صحیحه و مستفیضیه نزدیک به حد تواتر است و تعداد زیادی از حافظان و ائمه حدیث و اهل سیره و تواریخ در مولفان و مجامع حدیث خود آن را نقل کرده‌اند که بالغ بر یک صد نفر می‌شوند.

### ۱-۸. حدیث در منابع تشیع

حدیث سفینه نوح در منابع و کتب تشیع به صورت صحیح و متواتر آمده است، ما در اینجا به چند منبع از اشاره می‌کنیم:

۱-۸-۱) «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۱۳). همانا مثال اهل بیت من در میان شما، مثل کشتی نوح است، هر کس بر آن داخل شود نجات می‌یابد و هر کس از آن جدا شود هلاک می‌گردد.

۱-۸-۲) «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي حُجَّةِ الْبَحْرِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۴۰۸).

همانا مثال اهل بیت من در این امت، مثال کشتی نوح در اعماق دریاست از زانو نجات می‌یابد، هر کس از آن جدا شود غرق می‌شود.

۱-۸-۳) «رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ يَا عَلِيُّ مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۳).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید ای علی مَثَل تو در امتم مانند کشتی نوح است، در اعماق دریاست از زانو نجات می‌یابد، هر کس از آن جدا شود غرق می‌شود.

### ۲-۸. حدیث در منابع اهل تسنن

این حدیث در منابع برادران اهل سنت به یک شکل آمده است:

عن ابودر... قال رسول الله ﷺ:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ» (سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۵۷۳؛ ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۴؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۲؛ طبرانی،

۱۳۹۸، ص ۷۸). و در روایتی دیگر آمده «وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ».

از رسول خدا ﷺ شنیدم فرمود: اهل بیت من در میان شما همانند کشتی نوح اند هر کس بر آن سوار شود نجات می یابد و هر کس از آن جدا شود هلاک می گردد (در روایتی غرق می شود).

بنابراین حدیث سفینه، حدیث مشهور از پیامبر اسلام ﷺ که در آن اهل بیت ﷺ خود را به کشتی نوح تشبیه کرده است. این حدیث یکی از دلایل روایی شیعیان برای اثبات جایگاه ویژه اهل بیت ﷺ پیامبر اکرم ﷺ در هدایت و رهبری مسلمانان است. از این حدیث برای اثبات لزوم اطاعت از اهل بیت ﷺ، عصمت، افضلیت و محبت آنان استفاده شده است.

### ۳-۸. اشاره حدیث کشتی در قرآن کریم

کشتی نوح ﷺ ویژگی هایی داشت، از جمله:

۱-۳-۸. آیات سوره هود:

«قَالَ سَاوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَغْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِن أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳) وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۴)» (هود / ۴۳-۴۴).

او گفت: من به زودی به کوهی پناه می برم که مرا از این آب نکه دارد. نوح به او گفت: امروز در برابر فرمان خدا نگاه دارنده ای نیست مگر همان کس که رحم می کند در این گفت گوبودند که موج طوفان میانشان حایل شد و او از غرق شدگان گشت و گفته شد: ای زمین آبت را فرو ببر، وای آسمان باز ایست و آب کاستی یافت و فرمان خدا انجام گرفت و آن کشتی بر نقطه ای به نام جودی قرار گرفت و گفته شد: گروه ستمگرا از زندگی و رحمت الهی دور باد.

۲-۲-۸. آیات سوره قمر:

«فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (۱۱) وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قُدْرٍ (۱۲) وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُوسِرٍ (۱۳) تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرًا (۱۴)» (قمر / ۱۱-۱۴).

پس ما درهای آسمان را با فروریختن آبی فراوان و رگبارهای پی در پی باز کردیم. و از

زمین هم چشمه‌هایی را جوشانندیم تا آب‌های آسمان و زمین برای کاری که مقدر شده بود و به هم پیوستند. ونوح را بر کشتی ساخته شده از الوارهای چوب و میخ‌ها سوار کردیم. کشتی برابر چشمان ما به حرکت در آمد تا پاداشی باشد برای کسی که به او کافر شدند.

همان‌طور که دیدید قرآن ویژگی‌های کشتی نوح چگونه بیان می‌کند، ما به راحتی می‌توانیم از مفهوم آیات حدیث را درک کنیم. پیامبر ﷺ از جملاتی استفاده می‌کردند که معنای روشنی دارد، اما عده‌ای از اهل تسنن باز هم در مفهوم این حدیث دچار لغزش‌هایی شدند و معنایی دیگر را برمی‌گزینند در حالی که معنا و مفهوم آن واضح می‌باشد.

#### ۹. حدیث مدینه العلم

حدیث مدینه العلم، علم علی ﷺ را در کلام پیامبر ﷺ اثبات می‌کند. پیامبر ﷺ خودش را شهری از علم و دانش معرفی می‌کند، برای ورود به این شهر علم باید از درب آن وارد شد. پیامبر ﷺ، علی ﷺ را درب این شهر معرفی می‌کند. این تشبیه زیبا نشان از علم و آگاهی امام است. این حدیث از نظر دانشمندان بزرگ اهل سنت از جمله طبری، ابن معین، حاکم نیشابوری و سیوطی معتبر می‌باشد. بیش از صد و چهل نفر از محدثان بزرگ به این حدیث استدلال کرده و آن را صحیح و متواتر می‌دانند (امینی نجفی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۶۱؛ شافعی دمشقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۸۳).

پیامبر ﷺ، برای تربیت کردن مفسر به دو شیوه عمل می‌کرد: یکی تربیت گروهی، آیاتی که نازل می‌شد، بر مردم تلاوت می‌کردند معانی و تفسیر آیات را به صحابه می‌آموخت. دوم تربیت خاص پیامبر ﷺ بیش از هر کس به علی ﷺ اهمیت می‌داد، تا جانشین خود سازد و مرجع فکری مردم گردد. امام علی ﷺ می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای بر رسول خدا نازل نشد، مگر این که آن را جمع‌آوری نمودم و همچنین هیچ آیه‌ای در قرآن نیست، مگر این که رسول خدا ﷺ آن را بر من خواند و تفسیرش را به من آموخت» (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۷).



### ۱-۹. حدیث در منابع تشیع

این حدیث گران قدر هم مانند دیگر احادیث ذکر شده از اسنادی برخوردار است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

(۱-۹) احمد بن عبدالله بن یونس از سعد بن طریف کنانی از اصبع بن نباته گفت هنگامی که امام علی علیه السلام بر مسند خلافت تکیه زده بود امام حسن علیه السلام منبر رفت و فرمود: «أُيُّهَا النَّاسُ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا وَهَلْ تُدْخَلُ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۴۵).

ای مردم شنیدم از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله که می‌فرمود من شهر علم ام و علی دروازه آن شهر است و آیا می‌شود داخل شهر شد جز از در آن.

۲-۹) ابن بابویه در الخصال با چند واسطه نقل می‌کند:

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا وَلَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا» (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۶۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۴؛ ری شهری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۶).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند من شهر علم هستم و علی در آن است و هیچ کس داخل شهر نمی‌شود جز از در آن.

### ۲-۹. حدیث در منابع اهل تسنن

۱-۹) حاکم نیشابوری در مستدرک نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۶). من شهر علم

هستم و علی در آن است.

پیامبر صلی الله علیه و آله، خاتم النبیین است، قرآن را از جانب پروردگار برای انسان‌ها نازل کرد قرآنی که آخرین کتاب آسمانی است. پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را مفسر و معلم این کتاب آسمانی معرفی می‌کند. در این شکی نیست که تمام سخنانش از جانب پروردگار است، این سخن هم بدون شک بیان کننده مقام علی علیه السلام نزد خداوند است.

بنابراین «حدیث مدینه العلم» حدیثی است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در آن خود را به عنوان شهر علم، و امام علی علیه السلام را دروازه‌ی آن شهر نامیده‌اند. این حدیث دلالت بر



اعلمیت، افضلیت و امامت حضرت علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد.

### ۱۰. حدیث پدران امت

در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله خودش و علی علیه السلام را پدران امت معرفی می‌کند. طبق روایات انسان سه نوع پدر دارد؛ یک نوع که همان پدر جسمانی یا نسبی است، نوع دوم پدر سببی است (پدرزن) و سوم پدر تربیتی و معنوی است. پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، پدران روحانی و معنوی انسان‌ها هستند. کلمه «اب» را به معنای پدر دانسته‌اند. البته عده‌ای از عرب‌ها به کلمه «اب» عمو گویند.

### ۱۱. بررسی حدیث در منابع فریقین

۱۱-۱ (۱۱۱-۱) در کتاب من لایحضره الفقیه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۳۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید من و علی پدران امت هستیم.

۱۱-۲ (۱۱۰-۲) ابن بابویه در کتاب معانی الأخبار می‌نویسد: «رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (همو، ۱۳۶۱، ص ۵۲). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید من و علی پدران امت هستیم.

۱۱-۳ (۱۱۰-۳) علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار می‌نویسد: «رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۹۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید من و علی پدران امت هستیم.

این روایت و آیات قرآن برای ما روشن می‌سازد که انسان دارای دو نوع پدر است. یک پدر که منشا تولید و پیدایش انسان است که همان پدر جسمانی است و دیگری پدری است که منشا تربیت و ترقی و کمال انسان است که پدر روحانی قلمداد می‌شود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام پدران روحانی و معنوی امت هستند که با علم و حکمت امت را تربیت و تعلیم داده و از آتش دوزخ دور می‌سازند.

### ۱۰-۲. پاسخ به یک پرسش

خداوند در سوره احزاب می‌فرماید:



«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب / ۴۰).

محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

پرسش: عده‌ای برای این حدیث اشکالی وارد کردند می‌گویند طبق آیه بالا حدیث پیامبر ﷺ اشتباه است، پیامبر ﷺ پدر هیچ یک از «رجال» نیست؟

پاسخ: وقتی پیامبر ﷺ با همسر پسر خوانده اش (زید) ازدواج کرد، منافقان جوسازی کردند که حضرت با زن پسرش ازدواج کرده است، بعد از این جریان این آیه نازل گردید. منظور و شأن نزول آیه چیز دیگری می‌باشد. اما عده‌ای از روی لجاجت و تعصب چنین دلائلی می‌آورند تا حدیثی که از پیامبر ﷺ نقل شده را نپذیرند. در حالی که در منابع خود این حدیث را دارند. خداوند در بسیاری از آیات پیامبر ﷺ را جانشین و فرستاده خود معرفی می‌کند، پیامبر ﷺ گفتارش، گفتار خداست. ما نباید به گفتارش اشکال وارد کنیم. در آیه بالا منظور پدر جسمانی است، پیامبر ﷺ حکم پدر جسمانی را ندارد (ر.ک: کارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۶۱). حدیث پدران امت و آیه قرآن مفهوم متفاوتی دارند، نباید حدیث و آیه را هم معنا دانست و با یک مفهوم در نظر بگیریم.

### نتیجه‌گیری

امامت از مهم‌ترین مباحث اعتقادی شیعه به حساب می‌آید، که پیامبر ﷺ بر آن تأکید فراوان داشتند. و در هر موقعیتی که پیش می‌آمد، این موضوع را مطرح می‌کردند. اولین بار این موضوع را در مجلسی که در آن حدود چهل نفر از بستگانشان را دعوت کرده بودند، مطرح نمودند و تنها کسی که دعوت پیامبر را لبیک گفت امام علی علیه السلام بود که در آن زمان سیزده سال سن داشتند (یوم الانذار) و پس از آن در موارد دیگری مانند: حدیث منزلت، حدیث نجوم، حدیث اثنی عشر، حدیث سفینه نوح، حدیث غدیر، حدیث ثقلین، مدینه العلم و پدران امت بر جانشینی امام علی علیه السلام تأکید کردند و این همه تأکید نشان از این است که امامت موضوع مهمی است.

پیامبر ﷺ با توجه به این که خود امام علی علیه السلام را در دامن خویش پرورش داده بود و



شناخت صحیحی از امام علی علیه السلام داشتند، ایشان را شایسته مقام ولایت و وصایت می دانستند. امام علی علیه السلام اولین حافظ و کاتب قرآن بود و باب علم نبوت است و در روایات آمده است که پیامبر هر چه از تفاسیر می دانستند به علی علیه السلام انتقال داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که قرآن را برای هدایت بشر از جانب پروردگار نازل کرد ما اگر به پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشته باشیم باید سخنانش را هم بپذیریم. پیامبر صلی الله علیه و آله سخنانی می گوید که با قرآن هماهنگی دارد، و مطابق آن است. به طور مثال حدیث نجوم، وقتی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را با آیات قرآن مطابقت می دهیم از ویژگی های زیاد ستارگان متوجه خواهیم شد. عده ای با لجاجت در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله باعث انحراف خودشان و اطرافیانشان شده اند.

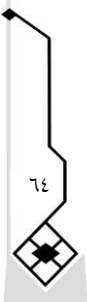


## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم، با ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۱. ابن اثیر، اسماعیل بن عمر؛ البداية والنهاية، قم: موسسه اسماعیلیان، بی تا، چاپ چهارم.
- ۲. ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین (ترجمه علی هاشمی حائری)؛ تاریخ کامل، تهران: کتب ایران، بی تا، چاپ اول.
- ۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ه.ش، بی جا.
- ۴. \_\_\_\_\_؛ کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ ه.ق، بی جا.
- ۵. \_\_\_\_\_؛ التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ه.ق، بی جا.
- ۶. \_\_\_\_\_؛ الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ه.ش، بی جا.
- ۷. \_\_\_\_\_؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ه.ق، بی جا.
- ۸. \_\_\_\_\_؛ الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ه.ش، بی جا.
- ۹. \_\_\_\_\_؛ من لا یحضره الفقیه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ه.ش، بی جا.
- ۱۰. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ مسند احمد، بیروت: دارصادر، بی تا، چاپ چهارم.
- ۱۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ ه.ق، بی جا.
- ۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید؛ سنن ابن ماجه، لبنان-بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۸ ه.ق، بی جا.
- ۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ه.ق، بی جا.
- ۱۴. اسکافی، جعفر بن محمد؛ المعیار والموازنة، تهران: نشر نی، ۱۴۰۲ ه.ق، بی جا.
- ۱۵. امینی نجفی، عبدالحسین احمد؛ الغدیر، بیروت: دارالکتب، ۱۳۹۲ ه.ش، بی جا.
- ۱۶. انصاریان، محمد حسین؛ پرسش ها و پاسخ ها مباحث اعتقادی، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۹ ه.ش، چاپ اول.
- ۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، بی تا، چاپ اول.
- ۱۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالاسلامیة، بی تا، چاپ دوم.



۱۹. بروجردی، حسین؛ جامع الاحادیث، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۸۳. ش، بی چا.
۲۰. بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ بغداد، بیروت: مصطفی عبدالقادر عطا، ۱۴۱۷. ق، بی چا.
۲۱. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین؛ سنن بیهقی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷. ش، بی چا.
۲۲. ترمذی، محمد بن عسی؛ سنن ترمذی، مصر- قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹. ق، بی چا.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی صحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، چاپ اول.
۲۴. حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله بن احمد؛ شواهد التنزیل و قواعد التفضیل، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۱. ق، بی چا.
۲۵. حسینی میلانی، علی؛ خلاصه عقبات، اصفهان: مؤسسه نفائس مخطوطات، ۱۳۸۲. ش، بی چا.
۲۶. ذهبی، شمس الدین؛ میزان الاعتدال، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا، چاپ اول.
۲۷. رازی شافعی، فخرالدین؛ التفسیر الکبیر، تهران: الزهراء (س)، ۱۳۸۳. ش، چاپ اول.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲. ق، بی چا.
۲۹. ری شهری، محمد بن محمدی؛ میزان الحکمة، قم: دارالحدیث، بی تا، چاپ اول.
۳۰. سبحانی تبریزی، جعفر؛ فرازمایی از تاریخ اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۳. ش، بی چا.
۳۱. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمان بن ابی بکر، الدرالمشور، قم- تهران: مکتب آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴. ق، بی چا.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمان؛ تاریخ الخلفاء، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۱. ق، چاپ اول.
۳۳. شافعی دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن؛ تاریخ دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵. ق، بی چا.
۳۴. شامی عاملی جزینی (شهید اول)، ابوعبدالله شمس الدین محمد بن مکی بن محمد، الدرہ الباهره من الاصداف الطاهره، قم: زائر الروضه المقدسه، ۱۳۷۹. ش، بی چا.
۳۵. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ خصائص ائمه عليهم السلام (امیر المؤمنین عليه السلام)، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶. ق، بی چا.



۳۶. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم؛ الملل و النحل، لبنان - بیروت: دارالمعرفه، بی تا، چاپ اول.
۳۷. شیبانی، محمد حسین؛ جامع الصغیر، بیروت: مع شرحه النافع الکبیر لعبدالحی لکنوی، ۱۴۰۶هـ.ق، بی جا.
۳۸. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر و آل معجم الصغیر، قاهره: مکتب ابن تیمیه، ۱۳۹۸هـ.ق، چاپ اول.
۳۹. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر و آل معجم الصغیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا، چاپ اول.
۴۰. طبری، محب الدین؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قم: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۸۶هـ.ش، بی جا.
۴۱. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۳هـ.ق، بی جا.
۴۲. طبری، محمد بن جریر؛ تفسیر طبری، تهران: توس، ۱۳۵۶هـ.ش، چاپ دوم.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ الاحتجاج، نجف: دارالنعمان، بی تا، چاپ اول.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷هـ.ق، چاپ چهارم.
۴۵. علوی مهر، حسین؛ آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: جامعه المصطفی ص العالمیه، ۱۳۸۹هـ.ش، چاپ چهارم.
۴۶. غزالی، ابوحامد؛ سز العالمین، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷هـ.ش، بی جا.
۴۷. غزی مکی (ابن صباغ مالکی)، علی بن محمد بن احمد؛ الفصول المهمه، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲هـ.ق، بی جا.
۴۸. فیض کاشانی، محمد محسن؛ الوافی، اصفهان: کتاب خانه امیرالمؤمنین علی ع، ۱۴۰۶هـ.ش، چاپ اول.
۴۹. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۹۲هـ.ش، چاپ سیزدهم.
۵۰. قشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا، چاپ اول.
۵۱. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم؛ ینابیع الموده، قم: اسوه، ۱۳۰۲هـ.ش، بی جا.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، قم: دارالحدیث، بی تا، چاپ اول.



۵۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال، قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا، چاپ اول.
۵۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، بیروت: دارا إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.ق، بی چا.
۵۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ مرآة العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.ق، چاپ دوم.
۵۶. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامع الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸.ق، چاپ اول.
۵۷. مفید، محمد بن محمد؛ النکت الاعتقادیه، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۳۷۲.ش، بی چا.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹.ش، چاپ هفتم.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۰.ش، چاپ سی و دوم.
۶۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، تهران، قم: صدرا، ۱۳۶۲.ش، چاپ چهارم.
۶۱. نجف، محمد مهدی؛ صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶.ق، چاپ اول.
۶۲. نیشابوری هندی، میرحامد حسین؛ عبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار، اصفهان: کتاب خانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۶.ش، بی چا.
۶۳. هیشمی شافعی، ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر؛ مجمع الزوائد، مدینه: جامع السلامیه، بی تا، چاپ اول.